

زنان روسپی، مجازات یا تسهیلات؟!



"فرانسه پنجمین کشور اروپایی است که مجازات مشتریان روسپی ها را قانونی میکند". پارلمان فرانسه رأی به تنبیه مشتریان روسپی ها داد. مشتریان خدمات جنسی روسپی ها بین ۱۵۰۰ تا ۳۵۰۰ یورو جریمه خواهند شد و در صورت تکرار جرم این جریمه تا ۳۷۵۰ یورو نیز افزایش می یابد. **فرانسه پس از سوئد، نروژ، ایسلند، انگلیس، پنجمین کشور اروپایی است که مجازات مشتریان روسپی ها را قانونی میکند.** هم چنین دولت فرانسه برای مبارزه با پدیده روسپی گری مقرر کرده است که روسپی هایی که به توقف این فعالیت پردازند، بتوانند از خدمات اجتماعی بیشتری برخوردار شوند، متن قانون جدید امکاناتی برای خروج این زنان از روسپی گری در نظر گرفته است.

به نظر شما چرا کشورهای اروپایی اخیرا به دنبال مجازات مشتریان زنان روسپی رفته اند؟؟؟ آیا این قوانین آزادی افراد را سلب نمیکند؟ به نظر من یکی از خوبی هایی که کشورهای غربی دارند این است که وقتی نتیجه یک نظریه ای را در عمل دیدند و نتایج منفی آن را برای جامعه مشاهده کردند به دنبال نظریه ای که امید به اصلاح وضع موجود در آن باشد، می روند چرا که اعتقاد دارند: "اینکه خدا یا ماده خالق جهان اند مهم نیست، باید تاثیر این بینش را در وضع فعلی یا آینده انسان مطالعه کرد" یعنی در جهان چیز ثابتی (اعتقاد ثابتی) وجود ندارد بلکه باید در عمل و به تجربه تاثیر همه چیز را دید و آنوقت در مورد حقیقت داشتن یا نداشتن و حق یا باطل بودن چیزی اظهار نظر کرد...

و به علت داشتن همین اعتقاد یعنی بریدن از آسمان و نداشتن اعتقاد به اصول ثابت، به عقل بشر و تجربه او تکیه کرده و در جست و جوی روش صحیح زندگی می باشند که البته این روند دستیابی به روش صحیح زندگی، ممکن است سالیان درازی به طول بکشد تا یکی یکی نظریات اندیشمندان مختلف در عرصه های مختلف تجربه شده و به صحیح یا غلط بودن آن پی برده شود و هزینه های گزافی به اندازه عمر تمام نسل هایی که در این آزمون و خطا تمام می شود، بر بشریت تحمیل میکند و از آن گریزی نیست...

اما آیا برای ما هم وضع به همین شکل است؟؟؟
آیا ما هم از آسمان بریده ایم؟؟؟
آیا ما هم در جست و جوی روش صحیح زندگی، سر در گم نظریات مختلف نظریه پردازانیم؟؟؟

در جواب این سوالات،

روحم با صدای بلند فریاد می کشد " نه "

با اعتقاد و علم به اینکه حقیقت نزد خداوند است (که به صورت آئین اسلام بر پیامبر ما فرستاده شده است) یعنی بدانیم آن سکه ای که در دست داریم طلاست و آن را در ازای دریافت شکلاتی از دست ندهیم... برگردیم به تیتیر نوشته:

"زنان روسپی، مجازات یا تسهیلات؟! "

حدود یک سالی است در تهران اتوبوس هایی در ناحیه های مختلف شهر، تست ایدز می گیرند و وقتی برای دادن تست مراجعه میکنی برگه ای را به تو می دهند که یکی از سوال هایش این است که در کدام یک از گروه های پرخطر قرار دارید؟ و یکی از گزینه ها زنان تن فروش می باشد!!!

بله تعجب نکنید تازه داستان جالبتر هم میشود و با انتخاب این گزینه، کلینیک هایی به شما معرفی میشوند که به شما مشاوره رایگان می دهند که چگونه به فعالیت خود پردازید و دچار بیماری ها نشوید!!! البته این کار از جانب بهزیستی است ولی **معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری هم بیکار ننشسته و نشستی تحت عنوان "سلامت زنان و رفتارهای پرخطر با تمرکز بر تن فروشی" برگزار کرد که در آن به زنان تن فروش لقب کارگران جنسی داده شد و پیشنهاد شد که زنان تن فروش دارای کارت بهداشت و کارت سلامت شوند!!!**

وقتی در هفته گذشته **خانم مولاوردی** معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری به دعوت انجمن اسلامی به دانشگاه آمد و مواجه با سوالات جدی دانشجویان در رابطه با مطالب گفته شده در این نشست شد، در کمال ناباوری به شعور دانشجویان توهین کرده و فرمودند: "به خانم دکتری در اون جلسه این پیشنهاد رو داده و اصلا نه چیزی تصویب شده و نه اتفاقی افتاده و ..." درحالیکه معاونت زنان ریاست جمهوری سند تفاهم نامه ای را با وزارت بهداشت به تصویب می رسانند که آن تاییدی بر گفته ها و نگرانی های ماست و نتایجش را نیز میتوانید در ارائه خدمات در مراکز بهداشت مربوط به مشاوره زنان تن فروش مشاهده نمایید که بنده از نوشتن آن شرم دارم. ولی ایراد راهبردی وارد به معاونت زنان چیست؟؟؟ آیا یک زن تن فروش فقط جسمش دچار آسیب میگردد؟ آیا تن فروشی روح یک زن را به لجن زار ذلت نمی کشاند؟

اینکه فضا برای سوء استفاده از زنان، ایمن باشد و مردان هوس باز بدانند که زنان تن فروش آموزش دیده اند و احتمال انتقال بیماری هم ضعیف است، باعث نمی شود که با خیال راحت به کثافت کاری هایشان پردازند؟

آیا این حرکت خدمت به زنان است؟ یا **خیانت به زنان و خدمت به مردان؟**

آیا این همان مردسالاری تمام عیاری نیست که در غرب است و به بهانه آزادی زن، در حقیقت مردان را آزاد گذاشته اند تا هرگونه التذاذ بصری و ... که

همیشه خواننده ایم و از قول معصومین (علیهم السلام) به ما گفته اند که: "عقل، پیامبر درون است" ولی عقل به علت محدودیت هایش احتیاج به اتصال به یک منبع نامحدود دارد، به یک دانای کل، به چیزی که از گذشته و آینده و انسان، خبر داشته باشد ... و آن چیز "حداست" همان که خالق است و آفریننده، همان که رؤف است و رحیم، همان که بهتر از همه میدانند راه سعادت مخلوقش چیست؟ حالا که سردرگمی بشر در جستجوی حقیقت را می بینیم انگار یک حس همیشگی که ته قلبمان وجود داشت محکم میشود و آن این است که: "خدا بنده اش را در این هیاهوی دنیا، تنها نخواهد گذاشت." ولی مطلب اینجاست که آیا ما هم از آسمان بریده ایم؟

آیا ما هم دستمان خالی است؟
آیا ما هم با سعی و خطا به دنبال حقیقت ایم؟
یا اینکه **گنج حقایق در اختیار ماست و خداوند راه سعادت بشر را به ما نشان داده است و ما از این گنج بی خبریم**

و به قول شاعر:
سال ها دل طلب جام جم از ما میکرد
وانچه خود داشت زیگانه تمنا میکرد

اگر خود را از آسمان بریده می بینیم که مسلما باید از غربی ها پیروی کنیم چرا که آن ها خیلی زودتر از ما آزمون و خطا را شروع کرده اند و حداقل مقداری از حقایق برایشان روشن شده است ولی اگر خود را به یک حقیقت مطلق متصل می دانیم و به کتاب راهنمای زندگیش "قرآن کریم" و به فرستادگانش برای هدایت بشر "پیامبران و امامان (علیهم السلام)" ایمان داریم باید معارف را از این منابع مطمئن دریافت کنیم و بدانیم گنجی در دست ماست ... البته استفاده از تجارب بقیه کشورها خیلی هم خوب است و کاری است که عقل به آن فرمان می دهد ولی

خواستند بپند بدون اینکه کمترین تعهدی در قبال زنان داشته باشند و برای این التذاذ کمترین مشقتی را متحمل شوند؟ تا جایی که کار به جایی می رسد که سازمان ملل به دختران مدل کمک میکند تا از سوء تغذیه ای که به علت مانکن ماندن به آن دچار شده اند (که به مرور به حالت روانی ترس از به هم ریختن اندام تبدیل می شود) نجات یابند؟ یعنی زن در غرب باید بمیرد تا مرد بیستند؟؟؟

برای جلوگیری از انتقال انواع بیماری های روحی (زنان تن فروش به جامعه و به هم ریختن امنیت روانی جامعه و مخصوصا حریم پاک خانواده ها ، چه تدابیری اندیشیده اید؟ این حرکت در ایده آل ترین حالت مثلا میخواد از انتشار ایندیز جلوگیری کند ولی بنیان خانواده ها را به نابودی میکشاند و فضای امنی را برای خیانت در خانواده ها ایجاد می نماید.

معاونت زنان کشورم، شمایی که عالی ترین مقام رسیدگی به امور زنان در کشور من هستید و بالاترین ردیف بودجه زنان کشور به شما تعلق می گیرد ، الان دقیقا کجا هستید؟؟؟ شهر فریاد میکشد، آیا صدایش را نمی شنوید؟

آیا بهتر نبود برای زنان روسپی ساماندهی ای انجام داده شود به طوریکه اگر زنان تن فروش به علت فقر به این ورطه نابودی افتاده اند، برای آن ها کاری در نظر گرفته شود و سر و سامانی به اوضاع زندگیشان داده شود؟

و اگر به علت بیماری روانی یا اعتیاد یا ... به این امور روی آورده اند، برای درمان آنها تدابیری اندیشیده شود؟

و در عین حال این کار جرم تلقی گردد و فضا برای عمل زشت و فبیح زنک ناساعد و ناامن شود و مردان هرزه به راحتی نتوانند امنیت روانی جامعه را به خطر بیندازند که البته در نهایت هم آثار منفی این طرح ها، کانون خانواده ها را به شدت تهدید میکند.

آیا این روش بهتری نبود؟ حتی اگر شما نظریه اسلام برای نا امن کردن فضا برای انجام گناه (که باعث نابودی جامعه میشود) را قبول ندارید، اکنون که غرب(بخوانید قبله آمال بعضی افراد) هم با آزمون و خطا به این نتیجه رسیده است پس حداقل از الگوی خود تبعیت کنید...

آیا این روش خدمت به خانواده ها که رکن اساسی آن زنان می باشند ، نبود؟

آیا این مسائل واضح، انقدر پیچیده اند که معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری از درک آن عاجز است؟

و یا اینکه سفرهای خارجی متعدد ایشان، مجال بررسی اوضاع زنان را از ایشان گرفته است چنان که میبایم در انتهای ۴ سال فرصت این دولت برای پیگیری و حل مشکلات زنان، هم اکنون و در انتهای فرصت دولت با صراحت اعلام میکنند که "لا بچه تامین امنیت زنان در حال آماده شدن است!!!" بعد از ۴ سال هنوز لایحه را تحویل نداده اید؟ یعنی حدود ۴ سال دغدغه ها در حال بررسی بودند! این سرعت عمل برای پیگیری مشکلات زنان شگفت انگیز است...

دادی از نهادم بر می خیزد که ای مسئول محترم...

خانم مولاوردی در جواب فرمودند: "من واقعا در سفر به فنلاند حسرت خوردم وقتی دیدم آنجا اکثر جوان ها کالسکه به دست بودند و غالبا یک یا دو فرزند داشتند!!! ، و نیز فرمودند فنلاند کشوری است که طرح های خوبی برای تمایل به فرزند آوری ایجاد کرده است ... (یعنی ما از این الگوها در این سفرها بهره میگیریم!) و در ادامه فرمودند در سفری که به تروژ داشتیم ، آنجا به زنان یک سال مرخصی زایمان میدادند..."

این فواید شگفت انگیز سفرها ، در حالی است که مجلس ما ، قانون ۹ ماهه بودن مرخصی زایمان را تصویب کرده است و دیوان عدالت اداری هم قانونی تصویب کرد که دستگاه هایی که از دادن این مرخصی زایمان استکفاف کنند ، یک هفته به آنها فرصت داده میشود و در صورت عدم اصلاح رویه ، با آنها برخورد میشود، اکنون ما قانون آماده ای داریم که عدم اجرای آن مجازات تصویب شده ای هم دارد و فقط جای یک معاونت زنان دلسوز خالی است تا



تا پیگیر اجرا نشدن آن حتی در اکثر ادارات دولتی بشود ، خصوصی ها که پیش کش ...

ولی معاونت زنان اینجا نیست ، حداقل اگر

جسمش اینجاست، روحش جای دیگری است... این را بی دلیل نمیگویم وقتی خانم مولاوردی معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری در اکثر مصاحبه هایش اصلی ترین دغدغه زنان کشورم را " مسئله اشتغال و تصاحب پست های مدیریتی و سیاسی میداند!!!" یعنی حواش اینجا نیست ...

اگر حواششان اینجا بوده به مسئله های اساسی زنان رسیدگی میکردند نه به دنباله روی چشم و گوش بسته از غرب ، مباحث رده چنم را به عنوان اولویت زنان ما جا بزنند...

بالاخره زمانی که ایشان با چند NGO همفکر خودشان مدت نزدیک به یک ماه را در آمریکا میگذرانند ، حتما به دنبال یافتن الگوی پیشرفت زنان ما هستند و چه خوب شد که از این فرصت مغتتم استفاده کردند و گترنه الان که ترامپ برای مدتی ورود ایرانیان را ممنوع کرده به کشورش، ما دچار چالش می شدیم و این پیشرفت های گسترده را نمیکردیم...

خانم مولاوردی، آیا بهتر نبود در کشور پیگیر اجرای قانون مرخصی زایمان می شدید که حداقل در ادارات دولتی خانم ها پس از یک ماه از زایمان از ترس از دست دادن شغلشان مجبور نشوند فرزند یک ماهه خود را به مهد کودک برده و به سر کار بروند؟

آیا پیگیری همین قانون خودمان باعث ترویج فرزندآوری نمیشد؟؟؟

نداشتن حق اولاد در فیش حقوقی زنان سرپرست خانواده، ظلمی است که در حق زنان سرزمین میشود، اگر حداقل برای احقاق این حق تلاشی کرده بودید، در پایان دولت به جای گفتن خزانه خالی بود و ما در حال آواربرداری بودیم و در چهار سال اول، دولت ها پی ریزی میکنند و در چهار سال بعد... و پیمانه های زشتی از این قبیل حرفی برای گفتن داشتید...

خانم مولاوردی سطح زنان ایرانی را با الگوهای پوسیده غربی پایین نیاورید

ما خودمان گنج داریم، سکه ای در دستمان است و میدانیم طلاست و به این راحتی با شعارهای بوج فمینیستی (که الان خودشان هم به آن اعتقادی ندارند) آن را عوض نمیکنیم.

ولی در عجب هستیم از شما...

که جایگاه زن را در حد یک مدیر یا یک رجل سیاسی پایین آورده اید وقتی میگویید دغدغه زنان کشورم رسیدن به این پست هاست ...

در حالیکه زن، انسان ساز است،

حیات و قوام، بالندگی و فرهیختگی جوامع بشری وابستگی شدیدی به حضور و سطح فکری زنان دارد ،حضور زنان در مشاغل و مناصب اجرایی اشکالی ندارد بلکه آن چیزی که اشکال دارد افتخار به این موضوع است کاری که دقیقا شما انجام میدید، این که ما به حضور بالای زنان در مناصب اجرایی افتخار کنیم دیدگاهی غلط و انفعال در برابر گفتنم غرب است ، آنچه که باید مایه افتخار باشد ، تعداد بالای زنان روشنفکر، فعال فرهنگی و سیاسی و مجاهد است .

همانطور که امام خمینی (ره) فرمودند: بانوان رهبر نهضت ما هستند، نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است برای اینکه زنان بانوان، علاوه بر اینکه خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند ، قشر های فعال را در دامن خودشان تربیت می کنند.

ما زنان ایرانی اولویت اصلی مان اشتغال و حضور در مناصب سیاسی نیست چه آنکه شما، برای حضور آسوده ما در آن مناصب هم کاری نکردید.